

مقدمه

با شروع برنامه صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی و عدم تمایل همکاری کشورهای غربی، توام با فشار آمریکا، زمینه برای انعقاد موافقت نامه همکاری هسته ای میان جمهوری اسلامی ایران و روسیه در سال 1992 و قرارداد تکمیل نیروگاه هسته ای بوشهر در سال 1995 میان سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی ایران و شرکت " اتم استروی اکسپورت " روسیه فراهم گردید. بعد از این موضوع، همواره از روسیه به عنوان شریک هسته ای جمهوری اسلامی ایران یاد می شود. (پهلوانی و حیرانیا، 1387)

بنابراین در میان کشورهای مختلف جهان، نقش و اهمیت سیاست روسیه در برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران از برجستگی خاصی برخوردار است. تنها دلیل این امر همکاری این کشور در اجرای اولین و مهم ترین طرح هسته ای جمهوری اسلامی ایران در نیروگاه بوشهر نیست، بلکه عضویت آن در هیات حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی به عنوان یکی از پنج قدرت شناخته شده هسته ای و نیز عضویت دائم آن در شورای امنیت از دیگر عوامل اهمیت آن می باشد.

از این رو در شرایطی که پرونده هسته ای جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از موضوعات مهم بین المللی در دستور کار آژانس و متعاقباً شورای امنیت سازمان ملل قرار گرفته است، بررسی سیاست های روسیه در مورد تکمیل و تحویل نیروگاه بوشهر و رویکرد آن کشور نسبت به برنامه هسته ای صلح آمیز جمهوری اسلامی ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد از اهمیت خاصی برخوردار است. این امر در حالی است که سیاست های روسیه در قبال برنامه صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران در مقاطع مختلف تحت تاثیر عوامل متعدد، دارای نوسان بوده و گاه با اتخاذ مواضع ضد و نقیض نه تنها در روند همکاری های هسته ای خود با جمهوری اسلامی ایران اخلاص نموده است، بلکه در موضع گیری های خود در آژانس بین المللی انرژی اتمی و

سپس در شورای امنیت سازمان ملل که منجر به صدور چندین قطعنامه بی سابقه در تاریخ جمهوری اسلامی ایران شده، عملاً به جبهه کشورهای غربی و در بهترین حالت به عنوان تعدیل کننده مواضع کشورهای غربی به ویژه آمریکا مطرح بوده است. با مفروض قرار دادن این مساله که رویکرد روسیه نسبت به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به ویژه پس از 11 سپتامبر 2001 تابعی از روابط این کشور با غرب و به خصوص آمریکا است، سوالاتی مطرح می شود که اساساً جایگاه و نقش آمریکا در همکاری هسته ای میان جمهوری اسلامی ایران و روسیه در کجا قرار دارد؟ جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه می تواند روی شریک هسته ای خود حساب کند؟ و به عنوان سوال اصلی پژوهش حاضر، چه عوامل و دلایلی سبب همکاری های ایران و روسیه در رابطه با پروژه هسته ای بوشهر در دوران آقای خاتمی و احمدی نژاد گردید؟

شروع همکاری های هسته ای ایران و روسیه

شروع همکاری های محدود هسته ای ایران و روسیه به ماه های آخر فروپاشی شوروی سابق برمی گردد. دو هفته پس از رحلت امام خمینی(ره)، آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس وقت در ژوئن 1989 به مسکو سفر کرد. در این سفر دو طرف در اعلامیه مشترکی اعلام کردند که به منظور استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای با هم همکاری کنند.

فروپاشی شوروی سابق طی ماه های بعد دو نتیجه عمده دربر داشت. از یک طرف اهمیت ژئوپلیتیک ایران را برای روسیه افزایش داد و از طرف دیگر باعث ظهور خوش بینی نسبت به غرب شد. به همین دلیل آمریکا چندان نگران گسترش همکاری های هسته‌ای ایران و روسیه نبود. از طرف دیگر به خاطر نزدیکی روسیه به غرب، آمریکا امیدوار بود روسیه در صورت درخواست آمریکا، همکاری‌های خود را با ایران محدود کند. به همین دلیل دولت آمریکا بر آن بود روابط رو به بهبود خود با روسیه را پیگیری

نماید. دولت کلینتون در چند مورد، اقداماتی را در جهت تحریم برخی ارگان‌های روسی که با ایران معامله می‌کردند برداشت. با این وجود دولت وی تمایلی به تحریم روسیه نداشت و مدعی بود ایالت متحده اهداف گسترده تری در روسیه دارد که عبارتند از ترویج اصلاحات سیاسی و اقتصادی، کنترل و کاهش متقابل تسلیحات، محافظت از مواد هسته ای و محدود ساختن اثرات جنگ در چین. طی این دوره شاهد کاهش تسلیحات ارسالی روسیه به ایران هستیم و روسیه تسلیحات کمتری نسبت به آنچه ایران در سال 1989 سفارش داده بود، به این کشور تحویل داد و عرضه این تسلیحات تا اواسط دهه 1990 کاهش یافت. این امر نشانگر بهبود روابط غرب و روسیه بود. (کاتزمن، 1382، 15)

«در تاریخ 24 اوت 1992 قراردادی بین دو کشور در خصوص همکاری های صلح آمیز انرژی هسته ای تنظیم و امضا شد. این موافقتنامه شامل یک مقدمه و 10 ماده بود که در تاریخ 1992 به تصویب مجلس و در سال 1993 به تایید شورای نگهبان رسید. بر اساس ماده یک موافقتنامه، طرفین توافق کردند از طریق سازمان های ذی ربط و با توجه به نیازها و اولویت های برنامه های هسته ای ملی، همکاری در زمینه استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای را بر اساس مفاد این موافقتنامه توسعه و تحکیم بخشند.» (کریمی، 1382: 142).

پایبندی دو کشور به رعایت قوانین بین المللی در زمینه استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای و گزارش های مکرر بازرسان آژانس بین الملل انرژی اتمی پس از بازدید از تاسیسات در ایران مبنی بر عدم تخطی ایران از ضوابط و مقررات بین المللی سبب شد واکنش روسیه در این مقطع زمانی نسبت به ادامه همکاری با ایران تا حدودی مثبت تلقی شود اما به دلایلی روس ها زمان تکمیل نیروگاه بوشهر را به تاخیر انداختند. (زیبا کلام، 1385).

همکاری های هسته ای ایران و روسیه در دولت خاتمی

در سال 1997 با روی کار آمدن دولت خاتمی، اجرای این قرارداد مورد پیگیری قرار گرفت و شورایی به نام شورای عالی فناوری زیر نظر رئیس جمهوری تشکیل گردید که طی مذاکرات و جلسات خود طراحی گسترده برنامه صلح‌آمیز هسته ای ایران را به طور فعالی بررسی و مورد تصویب قرار داد. (مختاری هشی و نصرتی، 1389)

از این زمان اجرای پروژه بوشهر با نظارت نزدیک سازمان انرژی اتمی ایران وارد مراحل جدیدتر خود شد. دولت خاتمی با تأکید بر همان دلایل پیشین، به ویژه با تأکید بر ضرورت جایگزینی انرژی هسته ای به جای نفت با قاطعیت بیشتری راه‌اندازی طرح نیروگاه بوشهر را در دستور کار خود قرار داد.

در ژوئیه 2002 روسیه اعلام کرد که نه تنها کار نیروگاه بوشهر را تمام خواهد کرد، بلکه مذاکرات دو کشور حول فروش پنج نیروگاه دیگر شروع شده است. مسکو بدین ترتیب توانست ایالات متحده را متقاعد کند که برای منصرف کردن روسیه باید به روش مسالمت آمیزتری روی بیاورد. از این رو واشنگتن نیز ضمن موافقت با پیوستن روسیه به گروه کشورهای صنعتی (۷)، کمک 20 میلیارد دلاری به جمهوری های شوروی سابق برای از کار انداختن تجهیزات هسته ای باقی مانده از اتحاد جماهیر شوروی اختصاص داد. هر چند روسیه نسبت به این معامله با ایالات متحده بی میل بود، اما با افزایش جنجال های تبلیغاتی غرب علیه برنامه هسته ای ایران، "الکساندر رومیانتسوف"، وزیر انرژی اتمی روسیه، در 3 ژوئن 2003 اعلام کرد کار اتمام راکتور هسته ای بوشهر به دلیل جایگزینی قطعات روسی به جای قطعات آلمانی تا سال 2005 به تاخیر می افتد. در این دوره نشست سران کشورهای حاشیه خزر در تهران نیز با حضور پوتین در حالی انجام شد که قبلاً در اولین اجلاس کشورهای حاشیه خزر در آوریل 2002 که با حضور خاتمی و پوتین در عشق آباد ترکمنستان برگزار شده بود، هیچ توافقی حاصل نشد. در این دوره نگرانی روسیه از دامنه دار بودن برنامه

هسته ای ایران در نهایت منجر به توافق روسیه با آمریکا در صدور قطعنامه 1803 شورای امنیت علیه برنامه هسته ای ایران شد. (نوری، 1386 : 117)

انعطاف های سیاسی و اقتصادی که دولت خاتمی در مسیر تکمیل هر چه سریع تر نیروگاه بوشهر به روسیه ارائه نمود، نشان می داد که قصد جدی دولت وی راه اندازی این طرح ملی در کم ترین زمان ممکن بود. از جمله مشکل ترین و اساسی ترین قسمت های قرار داد نیروگاه اتمی بوشهر با روسیه، موضوع سوخت نیروگاه بود. روسیه در عین حال که مایل بود حداقل برای سال 2004 ارسال سوخت به نیروگاه را تضمین نماید، در مراحل تحت فشارهای آمریکای شروط جدیدی را برای تحویل سوخت به نیروگاه ارائه نمود که مهم ترین آن ضرورت بازگرداندن سوخت پس از استفاده در نیروگاه به علت ارزش آن در فرآوری و کاربردهای مهم آن در مراحل حساس فرآیندهای هسته ای بود.

به رغم آنکه ایران با توجه به مقاصد کاملاً صلح آمیز خود، بازگرداندن این سوخت مصرفی را هم پذیرفت، برخی مباحث مالی مانند آنکه هزینه نگهداری سوخت مصرفی در ایران تا زمان ارسال به روسیه باید به عهده کدام طرف باشد از موضوعات مذاکره دو طرف بود. اما تمامی تصمیمات دولت خاتمی در زمینه توسعه انرژی هسته ای به تداوم و پی گیری تصمیمات پیشین کشور و دولت های قبلی در خصوص راه اندازی نیروگاه اتمی محدود نمی شد. «یکی از حساس ترین بخش های صنعت هسته ای که به طور اصولی در دوره دولت خاتمی طراحی و اجرا گردید کار بر روی فرایند چرخه سوخت هسته ای در کشور بود که هم از نظر مالی و هم از نظر سیاسی هزینه و وقت بسیاری از دولت را به خود جلب نمود».

1.1. مجموعه ای بالغ بر 7000 مگاوات انرژی برق را تا سال 1400

وارد مدار کند،

2.2. با توجه به توان داخلی و محدودیت های خارجی، سازمان در زمینه

تولید سوخت هسته ای برنامه ای را تنظیم و به اجرا بگذارد ،
3.3 برنامه طراحی و راه اندازی مجتمع آب سنگین و راکتور تحقیقاتی
آب سنگین را تنظیم نماید (نجفی فیروز جانی ، 1384)

می توان در باب روابط و همکاری های هسته ای ایران و روسیه در دولت خاتمی
گفت: کندی پیشرفت راه اندازی نیروگاه بیشتر از آنکه دلایل سیاسی داشته باشد، به
دلایل فنی بوده است. تفاوت اساسی و ماهوی تکنولوژی روسی از آلمانی ایجاب می کرد
روسیه تکنولوژی خود را وارد یک ساختار و زیربنای کاملاً متفاوت نماید. با توجه به
آنکه شرکت آلمانی زیمنس حتی از دادن نقشه ها و طراحیهای نیروگاه نیز خودداری
نمود، متخصصان روسی ناچار بودند که تغییرات اساسی در ساختار نیروگاه ایجاد کنند
که شاید بتوان گفت از کار احداث اولیه نیروگاه نیز مشکلتر بوده و زمان ساخت
طولانیتر میشده است.

همکاری های هسته ای ایران و روسیه در دولت محمود احمدی

روابط ایران با روسیه در دوره احمدی نژاد از آغاز متأثر از شرایط خاص ایران در
سطح بینالمللی از یکسو و تغییرات سیاسی ناشی از آن از سوی دیگر بوده و به همین
دلیل در گسترش و تداوم آن الزاماً روندی منطقی طی نشده است. روابط جدید ایران و
روسیه در شرایطی شکل گرفت که جمهوری اسلامی ایران به دلیل دشمنیهای ایالات
متحده با فشارهای متعددی مواجه بود و همکاری با کشورهایی مانند روسیه برای ایران
میتوانست از اهمیت زیادی برخوردار باشد. (موحدیان، 1387)

"لئونید زینکوف" رئیس جدید شرکت پیمانکار روسی نیروگاه اتمی بوشهر (اتم
استروی اکسپورت) در راس هیاتی از مدیران این شرکت در سال 2008 وارد ایران
شد تا مذاکرات خود با طرف ایرانی را در بوشهر آغاز کند. این اولین سفر رزینکوف
پس از انتخاب وی به عنوان رئیس اتم استروی اکسپورت به ایران است." الکساندر

سادوونیکوف"، سفیر فدراسیون روسیه در ایران در مصاحبه با ایرنا اعلام کرد: که تا پایان سال جاری میلادی آزمایش کلی همه فازهای نیروگاه اتمی بوشهر انجام خواهد شد و اوایل سال آینده میلادی برق هسته ای وارد شبکه تولید برق ایران می شود. سفیر روسیه تاکید کرد که مسکو به طور جدی مصمم به تکمیل و راه اندازی نیروگاه بوشهر است و خود را در قبال تکمیل و راه اندازی این پروژه مسئول می داند و به عنوان یک طرف ذینفع، مایل است در کوتاهترین زمان ممکن این پروژه را به اتمام برساند. وی اطمینان داد که تاخیر یا تعطیل شدن این پروژه به نفع روسیه نیست چرا که طولانی تر شدن آن به ضرر طرف روس هم هست و هزینه ها را برای آن افزایش می دهد. سفیر روسیه در تهران همچنین یکی دیگر از دلایل تاخیر در روند ساخت و راه اندازی نیروگاه بوشهر را عدم همکاری مطلوب از سوی برخی کشورها دانست که به گفته وی قرار بود برخی تجهیزات نیروگاه از سوی این کشورها تامین شود. (ایرنا، 1388/1/19)

رضا آقازاده، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران نیز اعلام کرده بود که راه اندازی فیزیکی نیروگاه اتمی بوشهر تا پایان آذرماه سال جاری انجام شود. وی با بیان اینکه فکر می کنم تا پایان سال نیروگاه در مرحله راه اندازی مقدماتی (آغاز سوخت گذاری) قرار گیرد، افزود: ما توقع داریم روسیه طبق توافقی که صورت گرفته است به تعهدات خود برای راه اندازی این نیروگاه عمل کند. رئیس سازمان انرژی اتمی افزود: ایران تمام تسهیلات لازم را برای هر چه سریعتر راه انداختن این نیروگاه برای پیمانکار روسی فراهم کرده است و جای هیچ توجیهی از سوی آنها وجود ندارد. آقازاده همچنین بر ضرورت اجرای تعهدات از سوی روسیه تاکید کرد و گفت: قرارداد نیروگاه اتمی بوشهر کلید در دست می باشد. احمد فیاض بخش معاون سازمان انرژی اتمی ایران نیز گفت: در دهم بهمن ماه 86 (2007) حجم کل این قرارداد یک میلیارد و 200 میلیون دلار است که بتدریج پرداخت شده است. به گفته وی، این قرارداد کمتر از

10 درصد افزایش داشته است. سوخت اولیه این نیروگاه از 26 آذرماه 86 (2007) در هشت مرحله به ایران ارسال شد.

در سال 2008 ساخت نیروگاه هسته ای در بوشهر عملاً به پایان رسید و انتقال سوخت هسته ای تحت نظارت آژانس بین المللی انرژی هسته ای انجام گرفت. آزمایش و بارگیری دستگاه های مورد استفاده (انواع سوپاپ و دستگاه های پستانکی) که در کارخانه ماشین آلات نیروگاهی چخوف تولید شده است، در حضور طرف ایرانی صورت گرفت. در سال 2008 مونتاژ پمپ های چرخشی به اتمام رسید، تجهیزات مخصوص حفظ شرایط آب و هوایی مناسب به بهره برداری رسید و تمامی کارهای آماده سازی و راه اندازی فنی انجام گرفت. اما دلایل امنیتی و دخالت ایالات متحده باعث به تاخیر افتادن راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر شد.

مقام های بلند پایه روسیه بر عدم همکاری ایران و روشن نبودن سیاست ایران در پرونده هسته ای و حتی به تحریم ها علیه ایران نیز اشاره داشته اند، این سیاست دو پهلوئی روسیه در مقابل ایران باعث شد که کاسه صبر طرف ایرانی لبریز شود و از طرف رئیس جمهوری ایران به صراحت مورد انتقاد شدید قرار گیرد. این انتقاد واکنش سران کاخ کرملین را به دنبال داشت. سرگی پریخودکو دستیار رئیس جمهور روسیه با اشاره به سخنان انتقادآمیز رئیس جمهور ایران گفت: روسیه بدون تردید از منافع ملی دراز مدت خود پیروی می کند. برای روسیه هرگونه غیرقابل پیش بینی بودن و افراط گرایی سیاسی، عدم شفافیت و عدم استمرار خط مشی در بکارگیری تصمیم های مرتبط به جامعه جهانی که موجب نگرانی آنها شود، غیرقابل قبول است.

(Space war, 2010)

پیش از این در آستانه دیدار باراک اوباما و دیمیتری مدودوف، روسای جمهور آمریکا و روسیه در نشست آسیا - اقیانوسیه در سنگاپور 2009، " سرگئی اشمتاکو" وزیر انرژی روسیه در مورد زمان آغاز به کار نیروگاه اتمی بوشهر گفت " برنامه اعلام

شده راه اندازی این نیروگاه تا آخر سال 2009 عملی نخواهد شد". وی دلیل این تعویق را بروز برخی مشکلات و مسائل فنی عنوان کرد. این مقام روسی با این وجود تاکید کرد که روسیه به تعهدات خود در مقابل تکمیل و راه اندازی نیروگاه بوشهر پایبند است. (Ibid) اما این وعده مدام با تاخیر مواجه شده است. رئیس جمهور روسیه نیز در خصوص برنامه هسته ای ایران در ملاقات با اوباما هشدار داد در صورتی که پیشرفتی در این زمینه به دست نیاید، راه های دیگری مدنظر قرار خواهد گرفت. وی گفت: "هدف ما روشن است، یک برنامه هسته ای آشکار و شفاف به جای برنامه ای که مایه حساسیت و نگرانی دیگران شود". مددوف با این حال افزود: او هنوز امیدوار است که ایران راضی شود اورانیوم غنی شده خود را برای تبدیل به سوخت هسته ای به روسیه بفرستد (cooper & barabozza, 2010) در این راستا، در رویدادی تقریباً همزمان با اعلام تاخیر در راه اندازی نیروگاه بوشهر از سوی مقام های روسی، سرگئی ایوانف، معاون نخست وزیر این کشور نیز از عدم تحویل سامانه موشکی اس 300 به ایران در مقطع کنونی سخن گفت. وی اعلام کرد: "روسیه هم اکنون سیستم های دفاع موشکی ضد هوایی اس 300 را به ایران عرضه نمی کند (عزیزی، 1389)

با این موضع گیری های متفاوت دولت مردان مسکو بود که مقام های ارشد نظامی ایران زبان به شکایت از بدقولی ها و بی مسئولیتی های روس ها گشودند و برای چندمین بار آنها را به مفاد متن قرارداد همکاری دفاعی تهران و مسکو در زمینه فروش سامانه های موشکی اس 300 ارجاع دادند که با تاخیری 15 ماهه روبرو شده است. در این بین، وزیر دفاع ایران در چند موضع گیری جداگانه به صورت ضمنی از تاخیر مسکو در اجرای این توافق نامه انتقاد کرد و گفت: در موضوع خرید اس 300 با روسیه قرارداد داریم و فکر نمی کنیم برای طرف روسی مناسب باشد که در دنیا به عنوان یک همکار نامطمئن جلوه گر شود وی تاکید کرد: اگر روسیه نیز همین گونه فکر

کند باید به قرارداد خود عمل کرده و تحت تاثیر فشار صهیونیست ها قرار نگیرد، البته ما امیدواریم هرچه سریع تر این موضوع حل و فصل شود (دیپلماسی ایرانی، 1389/3/20)

در ماه‌های اخیر، به دنبال تشدید اختلافات روسیه و غرب بر سر موضوع تکراری سپر دفاع موشکی و مهمتر از آن، بر سر تحرکات و تلاشهای آمریکا و اروپا برای کنترل و مدیریت تحولات خاورمیانه و به ویژه مسائل لیبی و سوریه، به نظر میرسد که روسها بار دیگر به دنبال تعریف عرصه‌های جدیدی برای بازیگری در سطح منطقی‌های و بین‌المللی هستند. اواسط ژوئیه سال جاری میلادی وزیر امور خارجه روسیه در سفر به آمریکا از طرح جدید این کشور برای شکستن بنبست موجود در مذاکرات هستهای ایران و گروه موسوم به ۵+۱ خبر داد. بر اساس طرح روسیه، ایران در چارچوب یک جدول زمانی مشخص، به سوالاتی که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره برخی جوانب برنامه هسته‌ای این کشور طرح میکند، پاسخ خواهد داد و در هر مرحله اگر پاسخ قانع کننده تشخیص داده شد، تدابیر تشویقی برای تهران در نظر گرفته خواهد شد. به گفته لاوروف، آژانس از "آسانترین" سوال شروع خواهد کرد و سپس به سوال‌های دشواری که پاسخ آن، به زمان بیشتری احتیاج دارد، خواهد پرداخت.

روسیه در سال 2010 پس از لو رفتن تاسیسات مخفی غنی سازی اورانیوم در قم تمایل بیشتری برای اعمال فشار بر تهران از خود نشان داده است، از اینرو، دولتمردان مسکو از قطعنامه 1929 (2010) حمایت کرده و فروش سامانه پدافند هوایی اس-300 به ایران را متوقف ساختند. بنابراین، اگرچه روسیه و چین در مقایسه با همتهای غربی تمایل کمتری برای مقابله با تهران از خود نشان داده‌اند اما روسیه چندین بار موجب تعدیل اقدامات شورای امنیت علیه ایران شد. به دنبال این رویدادها، روسها از ابتدای سال جاری میلادی و به دنبال تشدید تحریمها و فشارهای آمریکا و اروپا علیه ایران، به مخالفت با این اقدامات پرداختند. رئیس جمهور روسیه در اجلاس داووس بر

این نکته تأکید کرد که هیچ شواهدی مبنی بر اینکه ایران به دنبال تسلیحات هسته‌ای است وجود ندارد. سرگئی لاوروف نیز در واکنش به تشدید تحریمهای غرب علیه ایران اعلام کرد که "تحریمهایی که به موازات تحریم های شورای امنیت سازمان ملل متحد به طور یک جانبه اعمال میشوند مانند تحریمهایی که آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن و استرالیا و یا دیگران اعمال کرده‌اند باعث تخریب عملکرد مشترک ما در چارچوب گروه "5+1" می‌شود به همین خاطر اگر ما در مورد روشی مشترک به توافق رسیدیم، نباید از این مواضع عدول کنیم.

نتیجه گیری

روسیه از روابط خود با ایران به عنوان اهرم فشاری در معامله با آمریکا سود میجوید. در همین راستا، رئیس جمهور اوپاما در عوض کاهش فشار وارد شده به روسیه در رابطه با گسترش سازمان پیمان آتلانتیک شمالی و تغییر برنامه آمریکا در استقرار موشک ضدبالستیک در کل منطقه اروپا، از سیاست "بهبود" روابط با روسیه جهت تضمین حمایت مسکو از اعمال فشار بر ایران استفاده کرد.

از دیدگاه روسیه، بازار هسته ای ایران صحنه یک رقابت استراتژیک است و روسیه نمی تواند به راحتی آن را واگذار نماید. مسکو به این نکته استناد می کند که برنامه هسته‌ای ایران، ناقض بندهای معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی نیست. به علاوه، ایران به منظور شفاف سازی و برای جلب اعتماد به برنامه های هسته ای خود، تمامی شروط پروتکل الحاقی معاهده N.P.T را رعایت کرده است. بنابراین، دلیلی برای ترک همکاریهای هسته ای با ایران وجود ندارد. از سوی دیگر، روسیه خود را درگیر رقابتی تنگاتنگ با کشورهای اروپایی برای تصاحب بازارهای هسته ای جهان می‌بیند که خالی کردن صحنه موجب پر کردن آن توسط رقیب می شود.

حمایت نه چندان کامل روسیه از ایران منطبق بر تلاش های هماهنگ مسکو برای

افزایش وابستگی تهران به روسیه است. به عبارت دیگر، روسیه با بهره گیری از این سیاست به عنوان اهرم بازدارنده در مقابل استفاده پیش‌دستانه از زور علیه ایران و تامین مواد و فناوری موردنیاز تهران به دنبال تحقق منافع خود است. ضمن اینکه، روسیه در روابط خود با آمریکا به دلیل همکاری مشترک علیه ایران امتیازاتی بدست می آورد. با تثبیت جایگاه خویش به عنوان بازیگر محوری که می تواند برنامه هسته‌های ایران را تواتمند ساخته یا تعدیل نماید، روسیه در حال استفاده حداکثری از این اهرم در مقابل واشنگتن و تهران است.

منابع

- بعیدی نژاد، حمید، (1384) "سیاست هسته ای آقای خاتمی"، فصلنامه سیاست خارجی، سال نوزدهم شماره 1 بهار.
- پهلوانی، عبدالکریم و حیرانیا، جواد (1387)، "همکاری های بین المللی و توسعه بخش انرژی (نفت و گاز) جمهوری اسلامی ایران؛ بررسی تجربه روسیه"، تهران، فصلنامه راهبرد، شماره 47.
- زیبا کلام، ستوده (1385)، نگاهی به دیدگاه های مختلف در خصوص مساله هسته ای ایران (پرونده هسته ای ایران: روندها و نظرها)، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر ایران.
- کاترمن، کنت (1382)، تامین کنندگان تسلیحات کشتار جمعی ایران، ترجمه احسان موحدیان، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کرمی، جهانگیر (1382). "سیاست خارجی روسیه و بحران عراق، گلیسم نوع روسی"، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دهم، شماره 1، بهار.
- مختاری هشی، حسین و نصرتی، حمیدرضا (تابستان 1389). "امنیت انرژی و موقعیت ژئو انرژی ایران"، تهران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره دوم
- موحدیان، احسان (1387 / 07/26)، "روسیه چگونه شریک هسته ای ایران شد"، روزنامه شرق.
- نجفی فیروز جایی (1 تیر 1384)، روزنامه همشهری.
- نوری، علیرضا (1386). "راهبرد ابرقدرت انرژی در سیاست خارجی روسیه"،

فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 56، سال پانزدهم، دوره چهارم.
- ایرنا (1388/1/19)، "دستیابی ایران به فناوری هسته ای"
- دیپلماسی ایران، 1389/3/20
- عزیزی، سعید (1389) "تعلل روسیه از تحویل موشک های اس 300 به ایران"،
<http://www.parsdiplomacy.ir/post>

-Brenda Shaffer(2003), "**Iran at the Nuclear Threshold**",
available at: <http://www.armscontrol.org>
- Cooper, Helene & Barboza, David (2010), "**Obama Says
Russia 'Reset Button Has Worked**", available at:
<http://www.military photos.net>
-Space War(May 26, 2010), "**Russia condemns
'demagoguery' after Ahmadinejad criticism**", available at:
<http://www.spacewar.com>

بحران هویت در منطقه خزر و نگاهی گفتمانی به حل آن

حسین سیف زاده *

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت 91/4/19 – تاریخ تصویب 91/8/14)

چکیده

با مشاهده نشانه‌هایی از ظهور چرخه‌های بحران در هویت گفتمانی منطقه خزر، محتوای این مقاله تلاشی است گفتمانی برای وانمودکردن معنادار دو نگاه موجود و ممکن که شهروندان این منطقه به هویت خود دارند و یا می‌توانند داشته باشند. این «وانموده» هم معطوف به «بازتاباندن» تصور ناخودآگاه فردی و جمعی موجود شهروندان منطقه است، و هم معطوف به وانموده‌ای ممکن از نگاه این شهروندان است به هویت خود. در بازی زبانی پسامدرن‌ها، این دو عرصه در هم ادغام شده و به آن فضای گفتمانی گفته می‌شود. در این مقاله، این فضای گفتمانی چشم‌اندازی است طیفی که در یک قطب آن کمند و در قطب دیگر آن کمین تعریف از هویت قرار دارد. برای «بازتاب» دادن این دو وضعیت موجود و ممکن، دو اقدام مفهومی - نظری زیر صورت گرفته است: اول، چارچوبی مفهومی برای وانمودن وضعیت گفتمانی نگاه شهروندان منطقه خزر به هویت «چهل تیکه» موجود و هویت «همپارچه چهل لایه» ممکن ارائه شده است، و دوم آنکه مبنایی نظری برای تفسیری از وضعیت موجود و ممکن هویتی نیز ارائه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: خزر، بحران هویت، فضای گفتمانی، هویت، پاپولیسیم

* Email: hseifzadeh@yahoo.com

مقدمه

در جامعه‌شناسی تاریخی منطقه خزر می‌توان نشانه‌هایی یافت که وقوع حوادث خشونت‌بار امروزی را دالّی به حساب آورد نسبت به مدلول آتش زیر خاکستر تحولات آینده در منطقه. نظریات فروم روانشناس تا دورکیم جامعه‌شناس کلاسیک از یکسو تا جامعه‌شناسی کورنهاوزر معاصر نیز ادعای فرضی فوق را تأیید می‌کند. فروم تحولات ناشی از شرایط دوران گذار را در قالب «گریز از آزادی» و دورکیم در قالب عامل «سرگشتگی» تفسیر می‌کنند. با نگاهی گفتمانی به جامعه‌شناسی تاریخی منطقه، فرضیه این دانش پژوه آن است که آمادگی جامعه در «گریز از آزادی» پیشین فضائی را به وجود آورده است که با رسوخ لیبرالیسم رسانه‌ای، جهانی شدن و دموکراسی سازی و شهرنشینی ملازم با بحران هویتی شود، منطقه جلوه‌گر رویاگرایی ناشی از «سرگشتگی» باشد. به اقتضاء همسایگی با ایران، و اهمیت استراتژیک این مناطق برای منافع ملی ایران، در این مقاله دغدغه آن داریم که چارچوبی مفهومی ارائه دهیم، که بتواند به عنوان چارچوبی برای پیشگیری از رویاگرایی‌های ناشی از شیفتگی‌های شیدایی و ستیزه‌جویی‌های خشونت طلبانه، نقش ایفاء کند. به منظور فراهم آوردن فضای زیست و ذهن لازم برای برساختن فضای زبانی لازم، بحث را به سه گفتار زیر تقسیم می‌کنیم.

گفتار اول: فضای زیست و ذهن منطقه‌ای در منطقه خزر

از منظر تاریخی، منطقه خزر و قفقاز پس از دو قرن تحمل هویت‌های تحمیلی روس و شوروی، به یکباره با فروپاشی شوروی در معرض موج فزاینده‌ی جهانی شدن و تحولات ناشی از آن قرار گرفت. در هر جا که ذره‌ای از بگیر و بیندهای اقتدارگرایانه کاسته شد، آن جوامع بیش از دیگران دستخوش بحران شد. در همسایگی افغانستان و تاجیکستان هنوز زخم‌های ناشی از جنگ‌های داخلی را بر پیکر نحیف